ایثار و مقاومت
ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۴۸۱

یادکرد

پایان مأموریت، پایان جنگ

نرگس انصاری

شهید نوروز ایمانی‌نسب فرمانده گردان ادوات تیپ ۱۲ قائم سمنان بود که بعد از ۷۶ ماه و ۲۵ روز سابقه جبهه نهایتاً در آخرین لحظات پایانی جنگ در ۵ مردادماه سال ۶۷ در عملیات مرصاد به شهادت رسید. نوروز در فرم اعزام به جبهه قسمت «تاریخ پایان مأموریت» جمله «پایان جنگ» را نوشت؛ گویی می‌دانست معبر شهادتش را در مرصاد خواهد یافت. این نوشتار روایتی است کوتاه از زندگی تا شهادتش.

فرم اعزام

شهید نوروز ایمانی‌نسب ۱۶ مهر ۱۳۳۹، در سرخه به دنیا آمد. در مقطع راهنمایی مشغول به تحصیل بود که به پدرش پیشنهاد داد او را سر کاری بفرستد تا کمک‌خرج خانواده باشد. پس از پایان دوره سربازی، از اولین نفرات اعزامی به جبهه بود. به جز چند روزی که برای مرخصی می‌آمد یا برای درمان مجروحیت‌ها، بقیه روزها و سال‌ها را در جبهه سپری کرد. در فرم اعزام به جبهه قسمت «تاریخ پایان مأموریت» جمله «پایان جنگ» را نوشت.

آخرین معبر، مرصاد

پس از ازدواج، در سال ۱۳۶۱، خانواده‌اش را هم با خود همراه کرد. مسئولیت دژبانی لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب(ع)، مسئولیت قبضه، سپس واحد خمپاره، جانشینی ادوات لشکر ۱۷ و درنهایت فرماندهی گردان ادوات تیپ دوازده قائم آل محمد(عج) از وظایف مهم ایمانی‌نسب بود. ایشان در عملیات‌های رمضان، خیبر، بدر، والفجر مقدماتی یک، ۴ و ۸، کربلای ۴ و ۵، نصر ۸، بیت‌المقدس ۲ و مرصاد شرکت داشت. در والفجر هشت از ناحیه چشم و قبل از عملیات کربلای یک پایش مجروح شد. سرانجام همانطور که خواسته او بود همزمان با پایان جنگ در عملیات مرصاد با تیر مستقیم منافقین به پا، پشت گردن و قلب به شهادت رسید. گلزار شهدای سرخه محل تجدید عهد همرزمان با این شهید است.

ساختمان نیمه‌کاره

همرزمش می‌گوید: در طول چند سالی که در جبهه بودیم اصلاً آرزو و خواسته‌ای از او نشنیدیم. فقط در اواخر جنگ می‌گفت اگر بتواند ساختمان نیمه‌کاره‌اش را تمام کند، خوب است تا حداقل خانواده‌اش سرپناهی داشته باشد. نوروز بر اجرای فرمان امام (ره) بسیار تأکید داشت. یکی، دو شب قبل از شهادت و حتی بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ خیلی در فکر بود و بی‌قرار. دائم می‌گفت: «دیگر نمی‌خواهم در این دنیا بمانم.» می‌گفتیم: «تو تازه خانه‌ات را تمام کرده‌ای!» در پاسخ ما می‌گفت: «مگه من آن را برای خودم ساختم؟»»

قطعنامه ۵۹۸

تابستان سال ۱۳۶۷ بود. فرزند اولش مجید، سه سال داشت که فرزند دومش زهرا خانم به دنیا آمد. اگرچه از تولد فرزندش خوشحال بود، اما پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پیام امام(ره) در مورد نوشیدن جام زهر حال و هوایش را به هم ریخت. دیروقت بود که کسی از طرف سپاه در خانه آمده بود. وقتی رفت و برگشت شاد بود و سرحال. انگار روی زمین نبود و می‌خواست پرواز کند. خیلی زود ساکش را بست و زهرا را بوسید و عازم جبهه شد. مدت زیادی نگذشت که خبر شهادتش را آوردند.

گفت‌وگوی «جوان» با فرمانده سابق تیپ قائم(عج) و از رزمندگان حاضر در عملیات مرصاد

ستون نفاق پشت خاکریز فرشته‌ها گیر افتاد

صغری خیل فرهنگ

اسماعیل قاسم‌پور سال ۱۳۶۰، زمانی که هنوز دانش‌آموز بود به جبهه گیلان غرب اعزام شد. سال ۶۱ هم به عضویت سپاه درآمد. او که از رزمندگان سمنان بود، بعد از جنگ به فرماندهی تیپ ۱۲ قائم(عج) این استان رسید. ۱۲ قائم همان یگانی است که مقام معظم رهبری درباره نقش آن در عملیات مرصاد فرموده‌اند: «نقش تیپ قائم در عملیات مرصاد آنچنان بود که اگر نبود، دشمن ممکن بود تا کرمانشاه پیش بیاید.» به مناسبت سالگرد این عملیات گفت‌وگوی ما را با این رزمنده دفاع مقدس پیش رو دارید.

حضرت «آقا» نقش تیپ قائم(عج) سمنان در عملیات مرصاد را مورد تحسین قرار داده‌اند؛ این تیپ چه کرد که شایسته چنان تمجیدی است؟

در عملیات مرصاد اولین نیروهای سازماندهی‌شده که منافقین را در تنگه مرصاد زمینگیر کردند، نیروهای تیپ قائم آل‌محمد(عج) سمنان بودند. البته قرار بود که شب قبل از آغاز عملیات مرصاد این نیروها به استان سمنان برگردند. رزمندگان ما حتی سلاح و مهمات خود را تحویل داده و تسویه‌حساب کرده بودند و آماده بازگشت به سمنان بودند. اما چون کارها به شب کشیده شده بود، قرار شد صبح فردا حرکت کنند. از قضا یک تریلی مهمات نیز همان شب در اردوگاه میان‌راهی که رزمندگان تیپ قائم بودند، توقف می‌کند. اینگونه بود که خداوند نیرو و سلاح مورد نیاز را برای مقابله با دشمنان فراهم کرد. نیروهای استان سمنان در آن روز در قالب چندین گردان از جمله قمر بنی‌هاشم(ع) دامغان، سیدالشهدای شاهرود و امام رضا(ع) مقابل منافقین آرایش نظامی گرفتند. نیروهای همدان و کرمانشاه بعداً ملحق شدند. از صبح چهارم مرداد تا غروب روز پنجم درگیری سخت ادامه داشت. رزمندگان تیپ قائم(عج) سمنان در این عملیات ۶۷ شهید تقدیم کردند. عمدتاً از شهدایی بودند که از ابتدا تا انتهای جنگ در جبهه‌ها حضور داشتند.

پس تیپ قائم اولین یگان سازماندهی شده در منطقه عملیات مرصاد بود؟

یگان‌های دیگری هم حضور داشتند اما پراکنده بودند. زمان جنگ ما یک اردوگاه میان‌راهی بین جنوب غرب و شمال غرب داشتیم. این اردوگاه که صادقین نام داشت در ۱۰ کیلومتری منطقه درگیری مرصاد یا همان تنگه چهارزبر بود. تیپ ما در آنجا استقرار داشت. در دوران دفاع مقدس از آنجا به سمت مناطق عملیاتی کردستان یا هر جایی که مأموریت داشت، می‌رفت. استقرار یگان در این مکان هم به لحاظ موقعیت و هم به لحاظ دسترسی به منطقه عملیاتی مرصاد یک مزیت بود. یک هفته قبل از عملیات تعداد کمی نیرو در پادگان حضور داشتند. در آن هنگام اتفاق مهمی در جبهه جنوب رخ داد و آن این بود که عراق بعد از پذیرش قطعنامه از سوی ایران دوباره دست به حمله زد. حضرت امام پیام دادند و شاید ما تنها یگان سازمانی بودیم که در استان سمنان فراخوان دادیم و نیروهایمان را سازماندهی کردیم. بسیجی‌ها و پاسدارها همه به این اردوگاه آمدند. یعنی روز دوم و سوم مردادماه رزمندگان بسیاری در این اردوگاه حضور داشتند. گردان‌های رزمی ما هم آماده عملیات بودند. تقریباً اکثر یگان‌های سپاه در منطقه جنوب درگیر بودند. ما یگانی بودیم که در منطقه شمال غرب حضور داشتیم که فاصله ما با منطقه درگیری با منافقین حدود ۱۰ کیلومتر بود. روز سوم مردادماه تا قبل از ظهر اکثر رزمنده‌های استان بر اساس پیام حضرت امام و شرایطی که پیش آمده بود و حمله‌ای که عراقی‌ها به جنوب کرده بودند، به جبهه بازگشته بودند. در میان آنها جانباز هم بود، کسانی هم بودند که تازه از جبهه به خانه‌شان رفته بودند اما بلافاصله به جبهه برگشته بودند تا حرف امام روی زمین نماند. ما هم اردوگاه را برای تجهیز و سازماندهی نیروها آماده کرده بودیم. غروب روز سوم مردادماه، اطلاع دادند که در منطقه اسلام‌آباد درگیری است. هنوز اطلاعات دقیقی از ماهیت دشمن نداشتیم. یعنی نمی‌دانستیم نیروهای عراقی هستند یا منافقین. به اتفاق فرمانده و نیروهای اطلاعاتی تیپ به سمت اسلام‌آباد حرکت کردیم. نماز صبح را دقیقاً در جایی اقامه کردیم که الان یادمان در آنجا احداث شده است. یعنی دقیقاً در یال چهارزبر. موقعی که ما رسیدیم، منافقین از دشت و تنگه حسن‌آباد به سمت کرمانشاه در حرکت بودند. یگان ما هم به سمت آنجا حرکت کرد و در تنگه چهارزبر مستقر شد.

> منافقین آدم‌های خشک‌مغزی بودند با ماشین به خاکریز می‌زدند و رزمندگان ما هم با آرپی‌جی ماشین‌ها را منهدم می‌کردند. بعد ماشین بعدی می‌آمد و این کار تکرار می‌شد. ما تا بعدازظهر روز پنجم پشت این خاکریز درگیر بودیم که از روز پنجم نیروهای کمکی از یگان‌های دیگر هم آمدند و جبهه‌ای قوی شکل گرفت

اسماعیل قاسم‌پور فرمانده سابق تیپ قائم(عج)

کجا با ستون منافقین روبه‌رو شدید؟

منافقین ابتدا از منطقه کرند عبور کردند و به سمت اسلام‌آباد آمدند و در این مسیر اتفاقات دلخراش و جانکاهی افتاد. در ادامه به سمت گردنه حسن‌آباد که قبل چهارزبر است حرکت کردند. آنجا رزمندگان همدانی با آنها درگیر شدند و تعدادی از منافقین کشته شدند ولی به مسیرشان ادامه دادند و تا چهارزبر پیشروی کردند. تنگه چهارزبر حدود ۳۵ کیلومتری کرمانشاه است و تقریباً آخرین نقطه و سد دفاعی از کرمانشاه محسوب می‌شود. یعنی اگر منافقین از این تنگه عبور می‌کردند، کار دفاع از کرمانشاه بسیار سخت می‌شد. چون دیگر تا شهر کرمانشاه موضع دفاعی محکمی که حالت کمینگاه و تنگه‌مانند باشد، وجود نداشت و آنها میدان مانور بیشتری داشتند تا در شهرهای مختلف پخش شوند. منافقین روز سوم مرداد تا اسلام‌آباد و کرند آمدند و برنامه‌ریزی کرده بودند تا آخر شب به کرمانشاه برسند و بعد به طرف ساوه و تهران حرکت کنند. سردار شوشتری که فرمانده قرارگاه نجف بود تمام وقایع را به ما اطلاع داد و بر اساس آن آمادگی لازم در یگان به وجود آمد. تا ظهر روز سوم مرداد چون نیروها تازه وارد اردوگاه شده بودند، هنوز سازماندهی مناسبی نداشتیم. ولی بعد از اینکه در جریان وقایع قرار گرفتیم، در اسرع وقت نسبت به سازماندهی، تجهیز و تسلیح نیروها اقدام شد. ما آخر شب به سمت تنگه چهارزبر راه افتادیم. اولین نیروهای تیپ ۱۲ قائم(عج) قبل از اذان صبح در تنگه چهارزبر مستقر شدند و اولین یگانی بودند که با منافقین درگیر شدند. چهارزبر دو لایه دفاعی ارتفاعی محکم است که زبر اول و دوم دارد. آن موقع جانشین فرمانده تیپ آقای مهدوی‌نژاد بود که نیروها را در هر دو لایه مستقر کرد. یعنی یک گردان در لایه جلویی و یک گردان دیگر در لایه دوم مستقر شدند. چند نفر از نیروهای اطلاعات عملیات تیپ مأمور شدند تا با نفوذ به منطقه حضور منافقین اطلاعات جامع و کاملی از آنها به‌دست آورند. اگر اتفاقی هم افتاد به عنوان سد کننده اولیه باشند. بخشی از نیروهای اطلاعات عملیات، از جمله شهید رضا نادری که مأموریت تیم را بر عهده داشت و اولین شلیک کننده به سوی منافقین بود، در همانجا قبل از تنگه چهارزبر به شهادت رسیدند. آنها حرکت ستون نظامی منافقین را کند کردند. ستون نظامی منافقین خیلی طولانی بود، بیش از ۴ کیلومتر بود. با زدن یک یا دو ماشین جنگی‌شان، اتفاق خاصی نمی‌افتاد. به هر حال اولین درگیری بعد از تنگه حسن‌آباد از سوی نیروهای اطلاعات عملیات تیپ ۱۲ قائم انجام شد، بعد از آن منافقین به سوی تنگه چهارزبر حرکت کردند و قصدشان هم این بود که به سمت کرمانشاه بروند. ما هم یک خاکریزی روی جاده زدیم؛ جایی که الان یادمانی در آنجا درست کردند و به خاکریز فرشته‌ها معروف است. این خاکریز همانند یک سد خاکی محکمی بود که رزمنده‌های تیپ ۱۲ قائم پشت آن مستقر شدند. شاید اگر این خاکریز زده نمی‌شد، دفاع کردن در برابر آن ستون و نیروهای منافقین خیلی سخت می‌شد. این خاکریز یک سد دفاعی محکم مقابل آنها بود. یکی از اقدامات برجسته در عملیات مرصاد زدن همین خاکریز بود.

> در عملیات مرصاد اولین نیروهای سازماندهی‌شده که منافقین را در تنگه مرصاد زمینگیر کردند، نیروهای تیپ قائم آل‌محمد(عج) سمنان بودند. البته قرار بود که شب قبل از آغاز عملیات مرصاد این نیروها به استان سمنان برگردند

گویا زدن همین خاکریزها بود که کار منافقین را تمام کرد؟

بله. سه تا خاکریز پشت هم زده شد. هر کدام کارکردهای مختلف داشت. مثلاً یک خاکریز ویژه سلاح‌ها و مهمات بود. نیروهای ما تا آخرین لحظه‌ای که عملیات مرصاد ادامه داشت، پشت این خاکریز بودند. گردان سیدالشهدای تیپ قائم(عج) پشت یکی از این خاکریزها مستقر شد و حدود ۳۵ نفر از نیروهای این گردان همانجا به شهادت رسیدند. حاجی عبدالله عرب‌نجفی فرمانده این گردان بود که بعدها به شهادت رسید. گردان قمر بنی‌هاشم از دامغان هم روی خود چهارزبر مستقر بودند که تعدادی از آنها هم به شهادت رسیدند. درگیری از ساعت ۹ یا ۱۰ صبح روز چهارم تا روز پنجم مرداد ادامه داشت. در این زمان گردان روح‌الله دامغان و گردان امام‌حسین(ع) گرمسار نیز حضور داشتند.

جایی خواندم که شهید صیاد شیرازی هم به اهمیت این خاکریز در عملیات مرصاد اشاره دارند.

در خاطرات ایشان آمده است که می‌گوید ما آن روز با هلی‌کوپتر در منطقه پرواز کردیم، دیدیم یک خاکریزی روی جاده زده شده و تعدادی هم با تفنگ پشتش ایستاده‌اند و دفاع می‌کنند. من فکر کردم این خاکریز را چه کسی زده است. تنها چیزی که به ذهنم رسید گفتم این خاکریز را فرشته‌ها زده‌اند. بعدها سردار مهدوی‌نژاد که جانشین فرمانده تیپ بود به ایشان گفت که خاکریز را فرشته‌ها زدند اما فرشتگانی که از استان سمنان بودند. این خاکریز به دست بچه‌های مهندسی تیپ ۱۲ قائم زده شد. وقتی منافقین خاکریز را دیدند به سمت ارتفاعات اطراف حرکت کردند تا بتوانند راهی باز کنند یا به پشت خاکریز نفوذ کنند.

یک سؤالی که پیش می‌آید این است که چطور نیروهای نفاق از رزمنده‌های دیگر یگان‌های خودی شناسایی می‌شدند؟

عکس سر کردگان منافقین روی همه خودروهایشان بود. حتی روی سلاح‌هایشان هم عکس آنها را زده بودند که شناسایی‌شان را برای ما آسان می‌کرد. ستون نفاق بعد از درگیری‌های نزدیک تلمبه‌خانه پیشروی کردند تا به مانع خاکریز رسیدند. گردان قمر بنی‌هاشم شهرستان دامغان اولین رده سازمانی بود که با ستون نظامی منافقین درگیر شد. پشت یک خاکریز دیگر، گردان سیدالشهدای شهرستان شاهرود مستقر بود. خاکریزهای ما محل اصلی و کانون درگیری با منافقین بود. سمت چپ و راست خاکریزها بال‌های حمایتی رزمندگانی بود که پشت خاکریز مستقر بودند. آنجا درگیری سختی رخ داد. منافقین آدم‌های خشک‌مغزی بودند با ماشین به خاکریز می‌زدند و رزمندگان ما هم با آرپی‌جی ماشین‌ها را منهدم می‌کردند. بعد ماشین بعدی می‌آمد و این کار تکرار می‌شد. ما تا بعدازظهر روز پنجم پشت این خاکریز درگیر بودیم که از روز پنجم نیروهای کمکی از یگان‌های دیگر هم آمدند و جبهه‌ای قوی شکل گرفت. فرماندهان عالیرتبه از جمله شهید شوشتری و شهید صیادشیرازی به منطقه آمدند و یگان‌ها را متشکل و سازماندهی کردند و کار انسجام پیدا کرد. ولی همچنان بچه‌های تیپ ۱۲ قائم در منطقه مستقر بودند و تا آخرین لحظه عملیات مرصاد یعنی تا غروب روز پنجم پشت همان خاکریز حضور داشتند. غروب که جاده باز شد، هنوز یک گردان پشت خاکریز داشتیم تا به عنوان قطع‌کننده مانع عبور منافقین به سمت کرمانشاه شویم.

پیش آمد که خودروهای منافقین بتوانند از خاکریز رزمنده‌ها عبور کنند؟

اتفاقاً روز چهارم عملیات یکی، دو تا از خودروهای آنها عبور کردند که یک خودروی استیشن آنها چپ کرد. یک خودروی تویوتا هم حدود یک کیلومتر پیش رفت که توسط رزمنده‌های گردان ادوات هدف قرار گرفت. لحظه‌ای که این خودروها از خاکریز عبور کردند خیلی دلهره‌آور بود، چون همه فکر می‌کردند خط شکسته شده است، اما شهید حاجی عبدالله عرب نجفی فرمانده گردان سیدالشهدا(ع) گفت تا زنده‌ام خط شکسته نمی‌شود.

ایشان در همان عملیات به شهادت رسید؟

خیر. ایشان سال ۷۲ در مأموریت انهدام مهمات به شهادت رسید.

تیپ قائم(عج) در آن عملیات چند شهید داد؟

در مجموع ۶۷ نفر از رزمنده‌های استان شهید شدند که برخی از آنها پشت جبهه هم با منافقین درگیر بودند. احمد فضلی و مهدی فضلی دو برادر که هر دو متأهل و معلم بودند در یک روز پشت آن خاکریز شهید شدند. شهید رضا نادری هم تازه از مجروحیت رهایی پیدا کرده بود که در این عملیات به شهادت رسید. شهید نوروز ایمانی‌نسب، فرمانده گردان ادوات بود، شهید محمدرضا خالصی که مسئول عملیات تیپ بود و شهید محمود اخلاقی که از فرماندهان خوب استان سمنان بود در روز آخر به شهادت رسیدند. شهید حسن عزیزی هم از رزمنده‌ها و فرماندهان شهر دامغان بود.

حرف آخر؟

شاید وجود پادگان صادقین در منطقه مناسب نزدیک منطقه درگیری و حضور رزمندگان مخلص، جاری شدن اراده الهی و امدادهای غیبی بود که باعث انهدام منافقین در آن عملیات شد. آنها به زعم خودشان دقیق برنامه‌ریزی کرده بودند و در بهترین فرصت به ایران حمله کردند اما برای اراده الهی حساب باز نکرده بودند. همه این اتفاق‌ها خواست الهی بود و آنها چیزی را که حساب نمی‌کردند این بود که ما اینگونه در برابرشان بایستیم. با وجود پیروزی ما در آن عملیات غرور آفرین، باید بگویم «مرصاد» همچنان ادامه دارد.

جدول

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

				۴	۸	۶		
	۸					۱		
	۳			۶				
	۱	۵			۴	۷	۳	
		۸					۶	
					۲		۴	
۶	۲		۱					۷
			۷					
۳							۵	۶

۶	۹	۲	۶	۷	۲	۱	۸	۳
۲	۱	۳	۶	۲	۸	۶	۹	۷
۸	۶	۷	۳	۹	۱	۲	۲	۶
۱	۲	۹	۲	۸	۷	۳	۶	۲
۲	۶	۶	۹	۱	۳	۲	۷	۸
۷	۳	۸	۲	۶	۲	۲	۱	۹
۹	۷	۱	۸	۳	۶	۲	۲	۶
۶	۷	۲	۱	۶	۲	۸	۳	۲
۲	۲	۱	۸	۳	۹	۷	۶	۱

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۷۰۸

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	س	■	ا	س	ت	و	ن	ی	■	ب	ن	ک	د	ا	ر
۲	ک	و	س	ن	■	ک	ی	ت	و	■	د	ه	ل	ی	ز
۳	ه	ا	ل	ت	ر	■	ا	ی	ا	م	■	ن	ا	د	م
۴	س	ی	و	■	ت	ا	ی	■	س	ط	ل	■	و	ه	ن
۵	ا	ر	■	ن	ی	و	ش	ا	■	ل	و	ا	ر	■	ا
۶	ز	■	د	و	ل	ا	■	ن	و	ب	ت	ی	■	ل	و
۷	ا	ز	ی	ر	■	ب	ط	ر	ی	■	ر	ا	م	ا	■
۸	ن	و	س	■	د	ر	ع	■	د	ک	ا	■	ا	ر	ب
۹	■	ی	ک	ا	ن	■	ا	ل	ا	و	■	ا	س	ی	د
۱۰	ب	ن	■	ا	د	ا	م	ه	■	ب	گ	ا	ه	■	م
۱۱	ن	■	ا	ک	ا	ر	■	ب	خ	ا	ر	ا	■	م	ی
۱۲	ی	س	ر	■	ن	ل	ک	■	ی	ل	و	■	ا	و	ن
۱۳	ب	ا	ب	ا	■	ن	و	ی	ر	■	ه	م	د	س	ت
۱۴	ش	ر	ا	ب	ی	■	ه	و	ا	ر	■	ل	ی	م	و
۱۵	ر	ی	ب	ا	ن	د	■	م	ت	ن	ا	س	ب	■	ن

از راست به چپ

۱- آوازی در دستگاه شور- از فرقه‌های مسیحی کاتولیک ۲- اتومبیل ایتالیایی- شهر زادگاه خواجه عبدالله انصاری- میله حلاجی ۳- از اسامی بانوان- صحرا- قصه شعرگونه عامیانه ۴- خط عابر پیاده- یک دهم متر- سه کیلو- نوعی اسباب بازی ۵- کوبیده شده- هلاک و تباهی- راه نافرجام ۶- علامت اختصاری سازمان جهانی هواشناسی- ابزار- از آلات موسیقی قدیمی ۷- از شهرهای آذربایجان شرقی- دوستی کردن- پدر عربی ۸- خدای یهود- ارفاق- نوزدهمین پادشاه ساسانی ۹- منطقه قرمز تشک کشتی- پایان؛ نهایت- موسیقی ۱۰- نوعی پارچه قیمتی- گلوله- نوعی یقه ۱۱- پوزه- اسب حنایی- وسیله بتونه کاری ۱۲- ضمیر اشاره جمع- پهلوان- خانه سنگ پشت- دشنام ۱۳- تیراندازی کردن- دست یکدیگر را فشردن- ناپدید شدن ستاره ۱۴- پهناور- مسجد و بازاری در شیراز- سولفات ارسنیک ۱۵- ضد آب- نقاشی روی شیشه

از بالا به پایین

۱- روش راه افتادن فرد خسته یا زخمی- وصله ناپیدا ۲- جلاد استالین- چوبدستی ساربانان- از عتبات عالیات عراق ۳- شهر و دریاچه‌ای در ترکیه- روزنامه پرتیراژ فرانسوی- مقاصد ۴- واحد شمارش توپ- عدد منفی- خوردنی نامأکول- گلو در گویش تهرانی‌ها ۵- درنوردیدن- بالاترین رنگ- پافشاری ۶- تخلص شعری ابوالمعالی میرزا عبدالقادر، شاعر پارسیگوی هندی- مقابل ایمان- شهری در جنوب لبنان ۷- ضمیر انگلیسی- از فرشتگان مغضوب- پادشاه ماد که همدان را پایتخت خود برگزید ۸- واحد پول ارمنستان- درک و فهم متقابل- پیچیدن ۹- محل تقاطع دو دیوار- از توابع نایین- پاسخ جدول ۱۰- از انجیل‌ها- صاحب یکی از چهار انجیل- وسیله‌ای در بنایی ۱۱- جانشینی- مردنی- سوی و طرف ۱۲- جدید- پشت سر- شامه نواز- فیلسوف بنام فرانسوی ۱۳- سبز مایل به سیاهی- نویسنده فرانسوی چرم ساغری- مرتجع فلزی ۱۴- شمارنده- زمین بیحاصل- تیم فوتبالی در اسپانیا ۱۵- قرآن تاریخی کردستان در این روستاست- سراینده مثنوی آفرین نامه

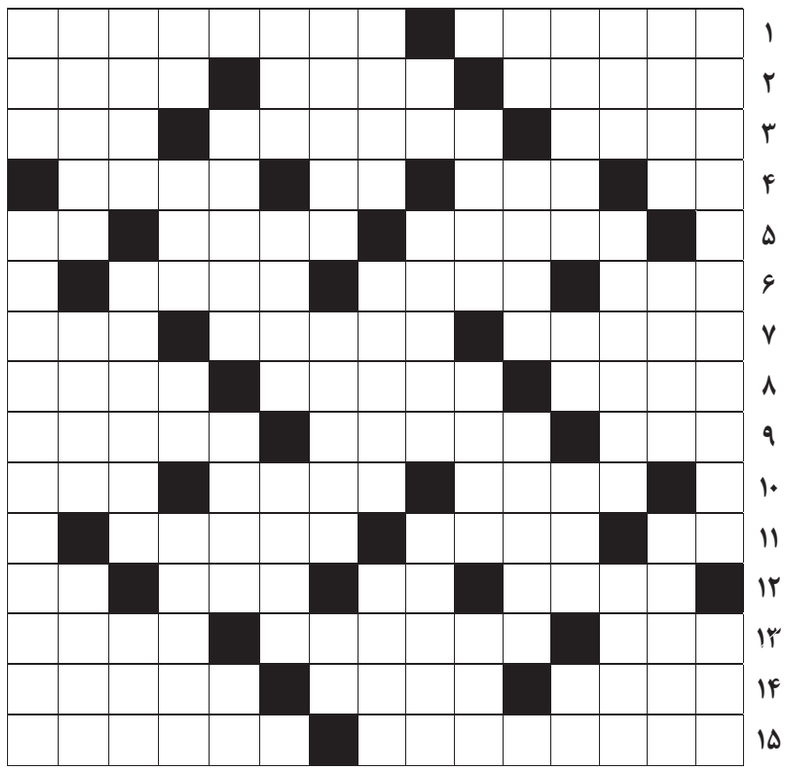

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۷۰۹